

فواید و نقش بازی در پرورش جسم و روح کودکان از دیدگاه قرآن و

معصومین علیهم السلام

حسینعلی بهرامی باباحیدری^۱

چکیده

مقدمه و هدف: با توجه به این که بازی به عنوان یک سرگرمی صرف و تنها برای کودکان مطرح نیست و به شکل یک جریان فراگیر در سبک زندگی امروزی و در مناسبات مختلف فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی ورود پیدا کرده است و همچنین مسئله‌ی محوری تربیت کودک در بستر دولت اسلامی و نقشی که بازی در این تربیت دارد؛ ضرورت تغییر نگاه به مقوله‌ی بازی احساس می‌شود. هدف از انجام این تحقیق بررسی فواید و نقش بازی در پرورش جسم و روح کودکان از دیدگاه قرآن و معصومین علیهم السلام است.

روش‌شناسی پژوهش: این تحقیق از نوع تحقیقات بنیادی نظری و روش اجرای آن به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و تحلیلی و توصیفی است.

یافته‌ها: یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که از منظر قرآن و سیره‌ی معصومین علیهم السلام بازی به خودی خود حسن و قبح ذاتی ندارد و با رعایت شرایط آن برای تمامی سنین، می‌توان مدل و مصداق بازی سالم را ارائه نمود. بازی از نظر جسمی، عقلانی، عاطفی و رفتاری تأثیر عمیقی بر کودک دارد و چنانچه با مصادیق برآمده از قرآن و سیره‌ی معصومین علیهم السلام باشد موجب پرورش جسم و روح او می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری: مقوله‌ی بازی در گفتار و کردار معصومین (علیهم السلام) از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و از آنجا که این مقوله نقشی اساسی در رشد جسمی و روحی کودک و نمو آن در زمان بزرگسالی دارد، انطباق آن با رویکردهای اسلامی می‌تواند گامی موثر در پرورش روح و جسم نسل آینده بر اساس سبک زندگی اسلامی باشد.

واژه‌های کلیدی: بازی، اسلام، قرآن و روایات، سبک زندگی اسلامی.

^۱ دانشجوی دکترا، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کازرون، کازرون، ایران.
(ali.4679057882@gmail.com)

مقدمه

در طول مراحل زندگی انسان، یکی از مهم‌ترین مسائلی که ممکن است، به‌ظاهر اولویت مهمی هم نداشته باشد، موضوع تفریح و سرگرمی است؛ اما واقعیت مهم این است که آرامش و آسایش مهم‌ترین نیاز انسان است که عوامل مختلفی برای تحقق آن‌ها وجود دارد و با تلاش و کوشش، هر فرد می‌تواند برای آسایش مادی خود سعی نماید و همین‌طور در جهت کسب آرامش روحی و روانی قدم بردارد. با دقت در این موضوع درمی‌یابیم که پرداختن صحیح یا ناصحیح به این موضوع، می‌تواند در عمل کرد انسان در بقیه حوزه‌ها نیز اثرگذار باشد. یکی از رایج‌ترین سرگرمی‌ها و پرتفردترین آن‌ها، مقوله‌ی بازی است. بازی از سنین نوزادی شروع می‌شود و در سن کودکی و نوجوانی هم ادامه دارد و حتی به سنین جوانی و بزرگسالی هم می‌رسد. امروزه با گستردگی تأثیر بازی در زندگی افراد، خصوصاً سبک زندگی و تعاملات انسان‌ها، این موضوع اهمیت بسیاری یافته است.

در اسلام بازی جسمی و بازی‌هایی که به تربیت روح کمک نماید، توصیه شده است. (دانشنامه‌ی جهان اسلام، ۱۳۷۵. ج ۱: ۲۰۹) رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) وجود حالت فعال و جوشش را در طفل خردسال نمایانگر فزونی خرد و اندیشه‌ی او در بزرگسالی دانسته و می‌فرماید: «شیطنت و ستیزه‌جویی کودک نشان‌دهنده‌ی افزایش عقل و اندیشه‌ی او در بزرگسالی است». ایشان با کودکان با ظرافت و دقت برخورد می‌کرد. در حساس‌ترین لحظات زندگی خود و با همه‌ی گرفتاری‌های صدر اسلام با کودکان با مهربانی رفتار می‌کرد. اسلام دین زندگی است و تمایلات انسان‌ها را در نظر دارد و منتظر نیست که مردم تمام زندگی خود را به ذکر و مطالعه و کار بگذرانند، بلکه می‌خواهد که سرگرمی و بازی و تفریح نیز داشته باشند و البته از حدود شریعت خارج نشوند. اهمیت این مقوله بدان گونه است که در اسلام و کلام و رفتار اهل بین (علیهم‌السلام) نیز بارها به نقش آن در پرورش جسم و روح کودک اشاره شده است. با توجه به اینکه آشنایی با سبک زندگی اسلامی برای تربیت کودکان امروز سرزمین ایران بر اساس آموزه‌های مبتنی بر قرآن و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) امری ضروری است، شناخت اهمیت بازی به‌عنوان یک عنصر مهم در تربیت کودک، از منظر اسلام و اهل سنت مسئله‌ای محوری و مهم به‌شمار می‌رود. نگارنده در این مقاله به بررسی فواید و نقش بازی

در پرورش روح و جسم کودکان مبتنی بر دیدگاه قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) پرداخته است. این مقاله سعی دارد به‌طور کلی با تکیه بر دیدگاه قرآن و اهل سنت به این سؤالات پاسخ دهد که نقش و مسئولیت والدین و مربیان در زمینه‌ی بازی کودکان چیست؟ اهمیت به مقوله‌ی بازی در گفتار و کردار معصومین علیهم‌السلام چگونه نمود یافته است؟ و در نهایت اینکه مقوله‌ی بازی چه تأثیری بر ابعاد جسمی، عقلانی، عاطفی و مهارتی کودکان دارد؟

روش شناسی پژوهش

روش این تحقیق به صورت مطالعات کتابخانه‌ای و اجرای آن توصیفی - تحلیلی است. در این تحقیق، از روش تحقیق کتابخانه‌ای و فیش برداری و تحلیل و توصیف محتوا استفاده شده است. بدین صورت که پس از مطالعه‌ی منابع با توجه به کلیدواژه‌های این مقاله مطالب مربوط استخراج، فیش برداری و طبقه بندی شد و در پایان بر اساس روش توصیف و تحلیل محتوا و استقرای نگارنده به « فواید و نقش بازی در پرورش روح و جسم کودکان از دیدگاه قرآن و معصومین (علیهم‌السلام) دست یافته شد.

یافته‌ها

۱- مسئولیت والدین و مربیان در زمینه‌ی بازی کودکان از نگاه اسلام

از نظر اسلام، مسؤولیت پدر و مادر تنها اداره‌ی زندگی مادی و تأمین نیازهای جسمانی کودک نیست، بلکه پاسخگویی به نیازهای عاطفی و روانی کودک و توجه به جنبه‌های تربیتی وی نیز بر عهده‌ی والدین است. مسؤولیت و وظیفه والدین در برابر فرزندان آن‌چنان سنگین است که امام سجاد (علیه‌السلام) از پیشگاه خداوند برای انجام این رسالت ارزشمند طلب یاری می‌کند و می‌فرماید: «وَ اَعْنِي عَلَى تَرْبِيَتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ وَ بَرِّهِمْ ؛ بار خدایا مرا در تربیت و تأدیب فرزندانم یاری و مدد بفرما». جامع‌ترین تعبیری که گستره مسؤولیت والدین در برابر فرزندان را نشان می‌دهد، واژه «تأدیب» و «تربیت» است و در روایات گوناگون از والدین خواسته شده است که به آن اهمیت دهند. حضرت علی (علیه‌السلام) در این باره می‌فرماید: «ارزش گذاری و تفضل هیچ پدری به فرزندش بهتر از آموختن ادب شایسته نیست». (میرزا حسین نور، ۱۴۰۸ق: ۶۲۵)

اگر والدین بتوانند از ابتدای کودکی رابطه‌ی خوبی با کودکان خود برقرار کنند، آن‌ها را تربیت و نیازهای عاطفی و روانی آن‌ها را ارضا کنند، بی‌گمان در دوران نوجوانی و جوانی نیز ارتباط بهتر و سالم‌تری خواهند داشت. بازی از نظر جسمی سبب هماهنگی عضلات و اعضای بدن می‌شود. کودکانی که فرصت بازی داشته‌اند، چُست و چالاک‌اند و بیشتر برای رویارویی با سختی‌های زندگی آماده می‌شوند، بنابراین، در برابر مشکلات و نامالایمات صبور و پایداری خواهند بود. قواعد و اصول و مقررات بازی‌ها، کودک را با روح قوانین و اصول اخلاقی آشنا می‌سازد و او را آماده می‌کند که اصول و مقررات زندگی اجتماعی را درک کند و مسائل انضباطی و اخلاقی را درست و به‌موقع به کار بندد. بسیاری از اصول ارزشمند اخلاقی و اجتماعی مانند تعاون، همکاری، همدلی، مشارکت و مانند آن را کودکان به هنگام بازی می‌آموزند. از این‌رو، والدین و مربیان باید امکانات لازم را برای بازی‌های مفید کودکان فراهم کنند و به هیچ‌رو کودکان را منع نکنند و به این اصل توجه داشته باشند که شُغل کودک تا هفت‌سالگی بازی است. رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) خطاب به والدین می‌فرماید: «هفت سال فرزندت را به بازی فراخوان» (قمی، ۱۳۱۱ق: ۵۷۹).

بازی برای کودک یک نیاز طبیعی است که بزرگ‌ترین وسیله‌ی سرگرمی او محسوب می‌شود. بعد از آن به تدریج رو به کاهش می‌گذارد و کارهای اساسی‌تری جای آن را می‌گیرد؛ اما تا پایان عمر ادامه دارد. اسلام نیز به این نیاز توجه ویژه‌ای دارد. امام صادق (علیه‌السلام) فرمود: «بچه را تا هفت سال آزاد بگذارید تا بازی کند». روایت شده است که رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) از جایی عبور می‌کرد، دید که بچه‌ها مشغول خاک‌بازی هستند، بعضی از اصحاب خواستند که آن‌ها را از بازی نهی کنند. پیامبر (صلی‌الله علیه و آله) فرمود: «بگذارید بازی کنند، خاک پرورشگاه کودکان است». شاید اولیا و مربیان بازی را فقط سرگرمی بدانند؛ اما چنین نیست. بازی از نظر کودک امری جدی است. بازی کودک با کار بزرگ‌ترها تفاوتی ندارد. در ضمن با بازی استعداد کودک پرورش یافته و اخلاق و رفتار اجتماعی و انفرادی او شکل می‌گیرد و برای زندگی آینده آماده می‌شود. با بازی با اشیا و افراد ارتباط می‌گیرد و مسئولیت‌پذیری و سازش اجتماعی در او پرورش می‌یابد. با بازی دسته‌جمعی نحوه‌ی همزیستی مسالمت‌آمیز، همکاری با دیگران، رعایت حقوق و نظم و قانون، دفاع از خود و زندگی اجتماعی را فرا می‌گیرد. بازی حواس کودک را تقویت می‌کند و مهارت‌های حرکتی او را افزایش می‌دهد و باعث می‌شود تا کودک بر حرکات کوچک و بزرگ بدن خود تسلط یابد (عسگری و انگجی، ۱۳۸۵).

مربیان باید اوقات فراغت کودکان را پر نمایند و اسباب نشاط و رشد آن‌ها را فراهم سازند. اگر این نیازها برآورده نشود و کودکان در موقعیت بی‌کاری قرار گیرند، گرفتار دوستان ناباب می‌شوند و در فساد سقوط می‌-

کنند. اسلام سفارش کرده است که پدران و مادران برای بازی آن‌ها فرصت کافی بدهند. یکی از برنامه‌های اسلام در تربیت کودکان آموختن فنون رزمی است. بدین ترتیب می‌توان اوقات فراغت کودکان را از طریق برنامه‌های عبادی، ورزشی، رزمی، درسی و مسابقه‌ای پر کرد. از این طریق می‌توان جلوی انحراف او را گرفت و اسباب رشد و تکاملش را هم فراهم کرد (بهشتی، ۱۳۹۶).

۲- مقوله‌ی بازی کودکان در گفتار معصومین علیهم‌السلام

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «کودک خود را تا هفت سال به بازی رها کن و هفت سال دیگر او را تحت تربیت و آموزش قرار ده و هفت سال با خود همدم و همراز ساز، پس اگر در صراط حق بود و از باطل گریزان و سعادت خود را دریافت که بسیار خوب و اگر چنین نشد امید خیری در وجودش نخواهد بود». (ابن بابویه، ۱۴۱۰ق. ج ۵: ۱۷۶) صالح بن عقبه گوید: «از امام هفتم (علیه‌السلام) شنیدم که فرمود: تندخوانی کودک و میل بسیار او به بازی و ناخوش داشتن او مکتب و مدرسه را خوب است، زیرا این علامت عقل و متانت و پختگی او در بزرگی است». و شاید معنی این باشد که به کار سخت و دشوار واداشتن کودک چون موجب کارآزمودگی او در بزرگی است مستحسن و نیکو است. (همان: ۱۷۸) همین‌طور امیر مؤمنان علی (علیه‌السلام) فرمود: «هر کس که فرزندی دارد برای او بچه شود». (بروجردی، ۱۳۸۶ق. ج ۲۶: ۸۶۷) پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: «هر کس که نزد او بچه‌ای است، باید برای او بچگی کند». (همان)

در این روایات، ضرورت بازی در سنین کودکی بیان شده است، حتی بازی کودک، نشان‌زیادی عقل در بزرگسالی بیان شده است. از لحاظ شرایط روحی روانی، کودک نیازهایی دارد که باید در دوران کودکی برآورده شود تا در سنین میان‌سالی و بزرگسالی بالندگی، خلاقیت و حتی متانت و منطقی برخورد کردن انسان تأمین شود. بازی نه‌تنها یک امر نهی شده تلقی نمی‌شود، بلکه امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است و در باب مستحبات، به آن پرداخته شده است.

امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «به‌راستی که فرشتگان بیزاری جویند از شرط‌بندی مگر در مسابقه‌ی اسب یا شتر دوانی و تیراندازی و نیزه بازی، و رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) با اسامه بن زید، به شتر و یا اسب‌دوانی مسابقه داد» (ابن بابویه، ۱۴۱۰ق. ج ۵: ۳۹۷). پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله)

آله) فرمودند: «حق فرزند پسر بر پدر، آموزش شنا است و به او شنا یاد دهد». (حر عاملی، ۱۴۱۷ق. باب ۸۶ ح ۷) و همچنین در جای دیگری می‌فرمایند: «سوارکاری و تیراندازی نمایند و چنانچه تیراندازی نمایند نزد من از سوارکاری محبوب‌تر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق/ج ۵: ۵۰).

۳- مقوله‌ی بازی در کردار معصومین علیهم‌السلام

سه روز پس از تولد حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، حضرت عبدالمطلب (علیه‌السلام) یک گهواره، شماری مروارید درشت و چند خرز (تيله‌های رنگی که وسطشان سوراخ است و نخ‌ی از آن‌ها می‌گذرد) به خانه‌ی آمنه فرستاد (مجلسی، ۱۴۰۳ق/ج ۱۵: ۲۹۲). در این روایت اهمیت به بازی در سنین خردسالی و حتی تزئینات رنگینی که در گهواره‌ی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) استفاده شده که ناشی از فرهنگ قریش بوده است، ملاحظه می‌شود. آمده است که: «در دوسالگی امام صادق (علیه‌السلام) شمشیری کوچک و چوبی به دست می‌گرفت و با کودکان دیگر رقص شمشیر می‌کرد که از بازی‌های کودکان (و بزرگسالان) عرب است. مادرش ام فروه در موقع بازی او را تشویق می‌کرد و این اشعار را برایش می‌سرود: بشارت باد، شما را که قامت او بلند می‌شود، رشد می‌کند و چهره‌اش چون ماه شب چهارده است» (مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ۱۳۵۸: ۱۴). جابر ابن عبدالله انصاری می‌گوید: «پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) بر چهار دست‌وپا راه می‌رفت و حسنین سوارش بودند و می‌فرمود: مرکب شما مرکب خوبی است و شما بر دوش این مرکب، بار خوبی هستی» (مجلسی، ۱۴۰۳ق. ج ۱۰۴: ص ۳۰۴).

در روایتی مشابه آمده است: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای امام حسن (علیه‌السلام) و امام حسین (علیه‌السلام) روی زمین خوابید و آن دو را سوار کرد، دو دست و دو پای آن برعکس یکدیگر قرار گرفت (بچه‌ها روبروی هم بر دوش پیامبر قرار گرفتند) و حضرت فرمود: شتر شما چه شتر خوبی است» (بروجردی، ۱۳۸۶ ج ۲۶: ۸۶۹). برای اینکه کودک از تعلیم و تربیت به‌طور کافی برخوردار شود باید اجازه داد که به میزان لازم خود را به بازی‌ها و سرگرمی‌ها نشاط و سلامت بخشد. پیامبر بزرگ اسلام (صلی الله علیه و آله) که بهترین و والاترین الگوی تعلیم و تربیت بود با کودکان بازی و آن‌ها

را شاد می کرد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) برای کودکان مسابقه‌ی دویدن می گذاشت و آن‌ها را به دویدن تشویق می کرد. می فرمود هر کس زودتر نزد من بیاید پاداش او چنین است و چنان است. سپس کودکان را در آغوش می گرفت و می بوسید. بعضی از اصحاب حسنین (علیهم السلام) را بر دوش پیامبر دیدند و گفتند: «عجب مرکبی دارید» پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «عجب راکی هستند آن‌ها» (بهشتی، ۱۳۹۶).

در این روایات ملاحظه می شود، شخصیت اول اسلام و عالم امکان، بدون اینکه ملاحظه‌کاری برای برخی عادات مرسوم داشته باشند، در مقابل چشمان همه با کودکان به شیوه‌ی کودکانه بازی می کنند و زبان گفت‌وگوی کودکانه را برمی‌گزینند. در ادامه نیز مشابه این رفتار را در جمع یاران با حسنین (علیهم السلام) دارند، که قابل دقت است. تشویق و ترغیب پیامبر مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) برای کشتی گرفتن حسنین (علیهم السلام) نیز از زیبایی‌های نگاه ایشان به مسئله‌ی بازی کودکان است. «کشتی گرفتن حسنین (علیهم السلام) شاهی از سیره‌ی معصومین (علیهم السلام) است؛ وقتی آن دو را به خانه‌ی حضرت زهرا (سلام الله علیها) آورد فرمود: «با یکدیگر کشتی بگیرید!». آن دو شروع به کشتی گرفتن نمودند و مکرر می فرمود: «هی یا حسن». حضرت فاطمه (سلام الله علیها) عرض کرد: یا رسول الله، آیا «هی یا حسن» می گویی، درحالی که از حسین بزرگ‌تر است». حضرت فرمود: این جبرئیل است که می گوید: «هی یا حسین». در نتیجه امام حسین (علیه السلام)، امام حسن علیه السلام را بر زمین زد» (هاللی، ۱۴۱۶ق: ۳۹۹).

نشستن امام حسین (علیه السلام) بر کمر پیامبر در سجده‌ی نماز، نمونه‌ی دیگر از اهمیت دادن پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به بازی کودکان است؛ امام حسین (علیه السلام) نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آمد درحالی که آن حضرت در سجده بودند. از صف‌های جماعت عبور می کرد و نزد آن حضرت می رسید و بر کمر حضرت سوار می شد. پیامبر (صلی الله علیه و آله) از سجده بلند می شد درحالی که یک دست بر کمر حسین (علیه السلام) و دست دیگر روی زانوی مبارک قرار داده بود و همچنان او را نگاه می داشت تا نماز را تمام می کرد. شاهد دیگر از سیره‌ی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با کودکان از نشستن امام حسن (علیه السلام) بر شانه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) بر فراز منبر است؛ امام حسن نزد پیامبر (صلی الله علیه و آله) می آمد درحالی که آن حضرت بر فراز منبر خطبه می -

خواند. از منبر بالا می‌رفت و بر گردن آن حضرت سوار می‌شد و پاهایش را روی سینه‌ی مبارک آویزان می‌کرد به طوری که برق خلخال در پایش دیده می‌شد، و این در حالی بود که پیامبر (صلی الله علیه و آله) مشغول خطبه بود و او را همچنان نگاه می‌داشت تا خطبه‌اش به پایان می‌رسید». (همان: ۴۰۱) دو روایت بالا بسیار حائز اهمیت است، چراکه شخص نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) به عنوان خاتم پیامبران، در حال نماز خواندن و یا در حال ایراد خطبه در مسجد، این رفتارهای ویژه را از خود بروز داده و در تاریخ نقش بسته است، جایگاه نماز و توجه ویژه‌ای که حضرت به آن داشته بر کسی پوشیده نیست و همین‌طور اهمیت سخنرانی و بیاناتی که از فراز منبر در گوش تاریخ ثبت می‌شده و در مقابل چشمان همه‌ی بینندگان، حضرت با کودکان این‌گونه با مهر و ملاحظت برخورد می‌کردند. در روایتی آمده، بعد از دیدن این صحنه از برخورد کریمانه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کودکان، حتی فردی یهودی تحت تأثیر قرار گرفت و به حقانیت اسلام ایمان آورد (مجلسی، ج ۳۷: ۸۷).

روزی رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) جهت اقامه‌ی نماز عازم مسجد شدند. در سر راه مسجد کودکان مهاجر و انصار مشغول بازی بودند. آنان با مشاهده‌ی پیامبر دست از بازی کشیدند و دوان‌دوان به سویش روی آوردند. هریک از کودکان از دوش آن حضرت بالا می‌رفتند و در همان حال می‌گفتند: «کن جملی» (شتر من باش). کودکان می‌دانستند که نوه‌های رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حسن و حسین (علیهم السلام) نیز همیشه این بازی را با آن حضرت داشتند. رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) در کمال خوش‌رویی و تواضع به خواسته‌ی آنان تن داده، با مهر و محبت و رأفت پدرانه، خواهش آن‌ها را برآورده ساخت. از طرفی، یاران پیامبر (صلی الله علیه و آله) در مسجد انتظار می‌کشیدند تا نماز عصر را به امامت ایشان برگزار کنند. بلال حبشی یار باوفای رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به خاطر تأخیر ایشان رو به خانه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) آورد و همین‌که در سر راه، پیامبر (صلی الله علیه و آله) را با این وضع با کودکان مشاهده کرد، خواست تا از این کار ممانعت به عمل آورد و رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) را از دست کودکان برهاند، اما پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را از این کار بازداشت و در همان حال فرمودند: «برای من تنگ شدن وقت نماز از دلتنگی کودکان یارانم، خوشایندتر است» رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) از بلال خواستند که به خانه‌ی

ایشان برود و چیزی بیاورد که به وسیله‌ی آن بچه‌ها را راضی کند تا از آن حضرت دست بردارند. بلال پس از جستجوی زیاد در خانه‌ی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله)، تعداد هشت عدد گردو پیدا کرد و به خدمت رسول (صلی الله علیه و آله) آورد. پیامبر درحالی که با لبخند، حالت نورانی خاصی به چهره‌ی مبارکشان بخشیده بودند، خطاب به کودکان فرمودند: «آیا شترتان را به این گردوها می‌فروشید؟» کودکان هلهله‌ی شادی به راه انداختند و گردوها را گرفته، دست از رسول گرامی (صلی الله علیه و آله) برداشتند (عوفی، ۱۳۷۴: ۳۰). این روایت شیوا و زیبا، از جهت نحوه‌ی مواجهه‌ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) با کودکان و ارتباط با آن‌ها با زبان کودکی و بازی بسیار جذاب است، حتی شخص ایشان در پاسخ به گلایه‌ی اطرافیان مبنی بر معطلی مردم در مسجد، جایگاه کودک و برخورد با کودک را تذکر فرمودند و اهمیت آن را آموزش دادند، که اگر کودکان خوب رشد کنند و در مسیر تربیت صحیح قرار گیرند، همین‌ها مساجد را در آینده پررونق و بانشاط روبه‌جلو به حرکت درآورده و مایه‌ی سعادت و خوشبختی جامعه خواهند بود.

ابو رافع گوید: «من با امام حسن علیه‌السلام در زمان کودکی وی مداحی بازی می‌کردم. هر وقت سنگ‌های من به سنگ‌های او برخورد می‌کرد و من برنده می‌شدم و می‌گفتم: مرا ببر، وی می‌گفت: وای بر تو آیا می‌خواهی بر پشتی سوار شوی که پیامبر (صلی الله علیه و آله) او را بر دوش خود سوار می‌کند. من نیز او را رها می‌کردم و هر وقت سنگ‌های او به سنگ‌های من برخورد می‌کرد و او برنده می‌شد، من به وی می‌گفتم: همان‌طور که تو مرا نبردی من نیز تو را نمی‌برم و امام حسن (علیه‌السلام) می‌فرمود: آیا خشنود نیستی از اینکه بدنی را بر پشت خود سوار می‌کنی که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) آن را می‌برد؟ من نیز او را سوار می‌کردم». (بروجردی، آقا حسین، ۱۳۸۴/ ج ۲۴: ۳۴۷) در این روایت مشاهده می‌کنیم بازی امام حسن (علیه‌السلام) همان بازی عرف بچه‌ها در زمان خود بوده و در عالم کودکی و صفای بچگی، دوران عمر را سپری می‌نمودند.

۴- مقوله‌ی بازی و نقش آن در پرورش جسم و روح کودک از منظر قرآن و معصومین

علیهم‌السلام

تأثیرگذاری بازی بر مخاطب از ابعاد مختلفی در انسان تغییر ایجاد می‌کند که در این بخش از نظر جسمی، عقلانی، عاطفی و رفتاری درباره‌ی کودک موردبحث قرار گرفته است.

۴-۱- بعد جسمانی:

از تأثیرات مهم بازی بر انسان، تأثیر بر جسم و رشد جسمانی است. در بخش‌های گذشته در سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) مشاهده شد که به تربیت بعد جسمانی کودک توجه ویژه‌ای شده است. روایتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله)، حسنین (علیهم‌السلام) را به کشتی دعوت می‌کنند و خود به تشویق آنان می‌پردازند (هلالی، ۱۴۱۶ق: ۳۹۹). بیانگر تأکید عملی به بازی همراه با فعالیت جسمانی است، که شامل ورزش نیز می‌شود، یا روایتی که پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) حق فرزند پسر را بر پدر آموزش شنا می‌دانند به تأکید بر تربیت جسمی کودکان اشاره دارد. البته اجازه‌ی شرط‌بندی در بازی‌هایی چون تیراندازی و اسب‌سواری (ابن‌بابویه، ۱۴۱۱ق: ۳۹۷)، نیز بیانگر این توجه خاص به بازی‌های حرکتی خصوصاً بازی‌هایی که در آمادگی نظامی جامعه تأثیر دارد، می‌باشد که برای کودک و بزرگ سفارش و تأکید شده است.

۴-۲- بعد عقلانی

در توصیه‌های کلامی معصومین (علیهم‌السلام) سفارش شده بود، برای آن که در بزرگ‌سالی افراد بتوانند به رشد کامل عقلی برسند و امکان بروز استعدادها را داشته باشند، باید در کودکی، با بازی و ابراز وجود و تخلیه هیجانات خود زمینه را فراهم نمایند چراکه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) فرمودند: «بازیگوشی کودک در کودکی نشان فزونی عقل او در بزرگ‌سالی است». (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۷۸) و از امام هفتم نقل شده که می‌فرمودند: «تندخوئی کودک و میل بسیار او به بازی و ناخوش داشتن او مکتب و مدرسه را خوب است زیرا این علامت عقل و متانت و پختگی او در بزرگی است». (ابن‌بابویه، ۱۴۱۱ق: ۱۷۸) همچنین در سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) وقتی در مواجهه‌ی رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه و آله) با حسنین (علیهم‌السلام) در بخش گذشته روایات متعددی ذکر شد، که در سیره‌ی پیامبر (صلی‌الله‌علیه و آله) به وضوح می‌توان دید آن حضرت در تمامی حالات زمینه را برای بازیگوشی کودکان آماده کردند، از برخورد با متانت ایشان در نماز با کودکان گرفته، تا سوارشدن طفل بر شانه‌های مبارکشان در روی منبر و در حال سخنرانی برای مردم (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۳۸۷).

در این آزادی بخشی ایشان حکمتی را مشاهده می‌نمایند که به آزاد شدن و رشد استعداد‌های کودک منجر می‌شود. همین‌طور در سیره‌ی امام صادق (علیه‌السلام) مشاهده می‌شود که در نوجوانی، با بچه‌های مدینه بازی‌هایی را انجام می‌دادند که در حین بازی، آموزش انواع میوه‌ها و اسامی حیوانات و کلمات مترادف و متشابه را انجام می‌دادند، که منجر به رشد فکری و شناختی کودکان خواهد شد (مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ۱۳۵۸: ۴۳).

۴-۳- بعد عاطفی:

برای پرورش بعد عاطفی کودک می‌توان از بازی استفاده کرد؛ چراکه کودک با بازی کردن مهارت‌هایی را می‌آموزد که برای رشد عاطفی او مؤثر خواهد بود:

- ۱- مهارت‌های مؤثر سازش جویان را برای ارتباط با همبازی‌هایش یاد می‌گیرد.
- ۲- او می‌آموزد که به حقوق و احساسات دیگران احترام بگذارد.
- ۳- از ناکامی‌ها برای کسب پیروزی استفاده می‌کند.
- ۴- در ضمن بازی، آرامش و سکون پیدا می‌کند.
- ۵- ناراحتی‌ها و عقده‌هایش از میان می‌روند.
- ۶- با همبازی‌ها، الفت و انس پیدا می‌کند.

این مهارت‌ها در بازی و در بردو باخت و تعامل با بقیه بازیکنان اتفاق می‌افتد، همان‌طور که در رابطه‌ی بازی با آموزش گفته شد، کارکرد بازی بر رشد عواطف و احساسات کودک نیز می‌باشد. یکی از عواملی که باعث می‌شود، کودک از شورونشاط لبریز شود و مستعد تأثیرپذیری بیشتری از کلام بزرگ‌سالان گردد، این است که بزرگ‌سالان پیش کودکان بچگی کنند تا موجبات رضایت و خوشحالی آن‌ها را فراهم آورند. به همین جهت است که پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «هرکس که کودکی نزد اوست، کودکی کند». (بروجردی ۱۳۸۶: ۸۶۷) اگر طبق فرمایش ارزشمند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، برای ارتباط با کودک، باید کودکی کرد، پس بهترین روش برای این کار بازی است، چراکه زبان گفت‌وگوی با کودک، بازی است؛ اگر نبی مکرم اسلام (صلی الله علیه و آله) در هنگام نماز و در حال عبادت با مخلوق و همین‌طور در حال سخنرانی و روی منبر در حضور مردم، به احساسات و عواطف کودکی پاسخ می‌دهند و توجه می‌کنند، به دلیل اهمیت دادن به عواطف کودکان و زاویه‌ی نگاه اوست؛ همین‌طور در روایتی که اشاره به بازی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با کودکان در کوچه‌های مدینه دارد، با توجه به انتظار مردم در

مسجد برای اقامه نماز، به روشی که کودکان دوست داشتند بلال را به منزل فرستادند تا برای ایشان چند گردو آورده و در بازی کودکانه آن حضرت را از کودکان به اصطلاح بخرد و جمله‌ای به یادماندنی در توجه به عواطف و احساسات کودکان فرمودند: «برای من تنگ شدن وقت نماز از دلنگی کودکان یارانه، خوش‌آیندتر است» (عوفی، ۱۳۷۴: ۳۰).

۴-۴- مهارت‌های فردی

در بخش گذشته به یک سری از روایات اشاره شد که در عمل و سیره معصومین (علیهم‌السلام) به بازی با کودک پرداخته بودند و همچنین مسابقه و بازی برای بزرگسالان را توصیه نمودند. با نگاه کردن دقیق به بازی کودکان خردسال به آسانی می‌توان فهمید که بازی برای آن‌ها اغلب فعالیتی شادآور و نوعی پاداش است. در واقع بازی کودک را از لحاظ عاطفی کاملاً ارضا می‌کند. در بازی کودکان متناسب با سن ایشان، به داستان شمشیربازی امام صادق (علیه‌السلام) در دوسالگی (مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ، ۱۳۵۸: ۳۴) می‌توان اشاره کرد که با توجه به مهارت موردنیاز جامعه‌ی آن زمان به شمشیربازی مشغول بوده‌اند و از طرف اطرافیان و مادرشان تشویق می‌شدند. همین‌طور تشویق پیامبر به مسابقات اسب‌دوانی و تیراندازی، جهت تمرین مهارت‌های موردنیاز جوانان و بزرگسالان همراه با بازی بوده است، چه‌بسا که خود ایشان نیز در مسابقات اسب‌دوانی شرکت می‌نمودند (کلینی، ۱۴۰۷: ج ۵: ۵۱).

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در مورد حق فرزند پسر بر پدر فرمودند: «... و به او شنا یاد دهد...» (حر عاملی، ۱۴۱۷ق. باب ۸۶) که امروزه مهارت شنا برای نوجوانان بسیار مورد تأکید است، چون علاوه بر تفریح، ورزش جسمی، مهارتی است که به کمک آن می‌توان به نشاط جسمی و روحی و حتی درمان بسیاری از بیماری‌های جسمی دست پیدا کرد؛ اما می‌توان کارکردهای خاصی را که بازی برای کودکان دارد متمایز کرد. برخی دانشمندان روانشناس (مری دوروتی، ۱۳۸۲: ۸۷)، این کارکردها را "کارآموزی"، "تحقیق"، "کاردرمانی" و "تفریح" نامیده‌اند. یعنی وقتی که کودکان بزرگ‌تر می‌شوند به نحو مطلوب‌تری می‌توانند کارهای روزانه‌ی خود را انجام دهند، مثلاً خودشان لباس می‌پوشند، غذا می‌خورند یا به تلفن جواب می‌دهند. بازی وسیله‌ای برای فراگیری و تمرین چنین مهارت‌هایی توسط کودکان است. همچنین کودکان از راه مشاهده، جستجو، اندیشیدن و مکاشفه‌ی دقیق به تفحص در دنیای اطرافشان می‌پردازند، برای مثال کودک از طریق بازی به خواص آب پی می‌برد؛ یعنی یاد می‌گیرد که بعضی چیزها در آب شناور می‌مانند و بعضی غرق می‌شوند و در آب فرو می‌روند. بنابراین بازی فرصت‌های زیادی را برای این نوع یادگیری‌های عادی برای

کودک فراهم می‌آورد. بازی می‌تواند تأثیر سرگرم کننده یا آرامش‌بخش داشته باشد و می‌تواند یک راه ساده برای فرار از ملالت و خستگی باشد. همین‌طور وسیله‌ای است که کودک از طریق آن توجه خود را از چیزهایی که از لحاظ جسمانی یا عاطفی ناخوشایند است منحرف می‌کند یا با آن‌ها کنار می‌آید مثل درد. تفریح نیز نوعی کارکرد بازی است که بیش از هر چیز به ذهن متبادر می‌شود. کودکان خودشان را از طریق بازی سرگرم می‌کنند و بدین‌وسیله لذت می‌برند و شادی می‌کنند. (همان: ۷۹) علاوه بر مهارت‌های فردی که ذکر شد در قالب آموزش نیز انواع مهارت‌ها به کودکان آموخته می‌شود، که در مبحث آموزش بدان اشاره گردید، مهارت‌های متعدد رفتاری، گفتاری و ارتباطی و خیلی از گونه‌های مختلفی که کودک به آن‌ها نیاز دارد (طاهری، ۱۳۸۷: ۱۲).

۴-۵- مهارت اجتماعی

اسلام دینی است که همه‌ی برنامه‌هایش هماهنگ با رشد اجتماعی است؛ چراکه از نظر وجودی و اجتماعی، انسان، به دیگران احتیاج دارد. اسلام که آئینی مطابق فطرت است، در دستورات خود، انسان‌ها را به تعاون و همکاری دعوت کرده است (رشید پور، ۱۳۹۷: ۱۲). برای نهادینه کردن روحیه‌ی همکاری در وجود انسان، باید از کودکی و از طریق بازی‌های دسته‌جمعی به این کار اقدام نمود. در حقیقت گرایش به اجتماعی شدن کودک، تنها با اسباب‌بازی تأمین نمی‌شود بلکه همبازی و بازی دسته‌جمعی می‌خواهد. بزرگ‌ترها باید سعی کنند کودک را از کانال بازی‌های اجتماعی وارد اجتماع کنند (همان: ۲۴).

بحث و نتیجه‌گیری

با وجود گستره‌ی فراوان بازی در سبک زندگی امروزه و مشاهده‌ی جریان گسترده‌ای که در دنیا به راه انداخته است، برخورد حیرت‌انگیز معصومین (علیهم‌السلام) را با این مقوله بر اساس روایاتی که در این مقاله اشاره شد مشاهده می‌نماییم. وقتی پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و آله) در حین نماز و حتی در هنگام سخنرانی روی منبر و در حضور مردم به کودک اجازه‌ی بازی کردن می‌دهند و مانع او نمی‌شوند این‌ها همگی نشان از اهمیت جایگاه بازی برای کودکان و توجه به احساسات و بعد عاطفی آن‌هاست و انتخاب زبان کودکانه که همان بازی است را نشان می‌دهد.

در بعد رشد فکری و عقلی هم‌بازی‌هایی که امام صادق (علیه‌السلام) در بین نوجوانان مدینه راه انداخته بودند و از نوع بازی‌های کلامی فکری بود قابل‌تأمل است. روایاتی که به بازی در کودکی

اشاره داشتند تا در بزرگسالی از رشد عقلی برخوردار شود و یا اشاره به استفاده از زبان کودکی در مواجهه با کودک دارند و همگی نگاه روان‌شناسانه‌ی عمیقی است که در نوع تربیت و اصلاح سبک زندگی امروزه راه گشاست. واکاوی مفاهیم بازی در قرآن و سیره‌ی معصومین (علیهم‌السلام) نشان می‌دهد که به‌عنوان یک جریان مطرح گردیده که می‌توان در قرآن ویژگی‌های حقیقت‌گونه‌ی آن را به‌صورت مصادیقی که فوایدی چون سرگرمی سالم، لازمه‌ی رشد و کسب تجربه‌های جدید با بار مثبت دارد، را مشاهده کرد و از طرفی مواردی که دارای بار منفی، هم چون مانع جهاد، غفلت از آخرت، پوچی زندگی اشاره گردیده، را بیان نمود. مقوله‌ی بازی در گفتار و کردار معصومین (علیهم‌السلام) نشان می‌دهد که این موضوع به‌عنوان یک امر تربیتی، ورزشی و از لوازم یک زندگی برنامه دار در تمام مقاطع کودکی، نوجوانی و بزرگسالی برای بندگان موحد الهی با شرایطی خاص که بیشتر در سیره‌ی عملی آن حضرات دیده شده، سفارش گردیده است.

تعارض منافع

بنا بر اظهار نویسندگان مقاله حاضر فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

منابع

الف- فارسی

قرآن کریم.

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۱۱ ق). من لا یحضره الفقیه. تصحیح و تعلیق علی اکبر الغفاری، قم، منشورات
جماعه المدرسین فی الحوزة العلمیه.

بروجردی، حسین. (۱۳۸۶). منابع فقه شیعه. ترجمه جامع احادیث الشیعۀ، مترجمان: اسماعیل تبار، احمد،
حسینی، احمد رضا، مهوری، محمد حسین، فرهنگ سبز.

بهشتی، احمد. (۱۳۹۶). اسلام و تربیت کودکان. شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۱۷ق). وسائل الشیعه. قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، بی‌جا.

رشید پور، مجید. (۱۳۹۷). رشد اجتماعی از نظر اسلام. تهران، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان.

شبروانی، علی. (۱۳۸۱). صحیفه سجادیه. قم، انتشارات دارالفکر.

طیبی، محمدجواد. (۱۳۷۶). حقوق فرزندان در مکتب اهل‌البیت (علیهم‌السلام). انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

طاهری، صادق و عبدی مقدم، رضا. (۱۳۸۷). روان‌شناسی بازی و کودک از تولد تا دبستان. تهران، بی‌نا، بی‌جا.

عسکری، عزیزه و انگجی، لیلی. (۱۳۸۵). بازی و تأثیر آن بر رشد کودک. طراحان ایماژ.

عوفی، سدید‌الدین محمد. (۱۳۷۴). «جوامع الحکایات». موسسه کتاب همراه، بی‌جا.

قمی، عباس. (۱۳۳۱ق). سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار مع تطبیق النصوص الواردة فیها علی

بحار الانوار. دارالاسوه، بی‌جا.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. محقق: مصحح: غفاری، علی‌اکبر و آخوندی، محمد، دارالکتب

الاسلامیه، بی‌جا.

مرکز مطالعات اسلامی استراسبورگ. (۱۳۵۸). مغز متفکر جهان شیعه امام جعفر صادق (علیه‌السلام).

ترجمه منصوری ذبیح‌الله، مرکز مطالعات استراسبورگ، انتشارات جاویدان، بی‌جا.

مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الانوار (ط بیروت). إحياء التراث العربی، بی‌جا.

مری دوروتی، شریدان. (۱۳۸۲). بازی و رشد کودک از تولد تا شش‌سالگی. مترجمان: رضا توکلی، هرمز

سنایی نسب و فرید براتی سده، انتشارات رشد.

میرزا حسین نور. (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل. انتشارات آل‌البیت (علیهم‌السلام).

میرسلیم، سید مصطفی. (۱۳۷۵). دانشنامه‌ی جهان اسلام. جلد ۱، بنیاد دائره‌المعارف اسلامی.

هلالی، سلیم بن قیس. (۱۴۱۶ق). أسرار آل محمد علیهم‌السلام. بی‌نا.

The benefits and role of play in nurturing the body and soul of children from the perspective of the Qur'an and the innocent

Hoseinali bahramibabaheidari^۲

Abstract

Introduction and Goal: Due to the fact that the game is not considered as a mere entertainment for children and has entered as a pervasive current in today's lifestyle and in various cultural, social, economic and even political relationships, and also the central issue of child education in the context of the government Islam and the role of play in this education; The need to change the view of the game category is felt. The purpose of this research is to investigate the benefits and role of play in nurturing the body and soul of children from the perspective of the Qur'an and the infallible.

Research methodology: This research is the type of basic theoretical research and its implementation method is in the form of library, analytical and descriptive studies.

Findings: The findings of this research show that from the perspective of the Qur'an and the life of the innocents, play itself does not have inherent goodness and ugliness, and by observing its conditions for all ages, it is possible to provide a model and example of healthy play. The game has a profound effect on the child physically, intellectually, emotionally and behaviorally, and if it is based on examples from the Qur'an and the lives of the innocents, it will develop his body and soul.

Conclusion: The category of play is of special importance in the speech and actions of the innocent, and since this category plays a fundamental role in the physical and mental growth of the child and its development in adulthood, its adaptation to Islamic approaches can be an effective step in nurturing the soul and body of the generation. The future should be based on Islamic lifestyle.

Keywords: Game, game in Islam, Quran and hadiths, Islamic lifestyle

² PhD student, Department of Quran and Hadith Sciences, Islamic Azad University, Kazerun branch, Kazerun, Iran.(ali.4679057882@gmail.com)